



ماسه بنی ایبوسه

بازار سیاه

ترجمه از ژاپنی قدس آیه ذاکری

سرشناسه: ایبوسه، ماسوجی، ۱۸۹۸ - ۱۹۹۳ م.

Ibuse, Masuji

عنوان و نام پدیدآور: باران سیاه / ماسوجی ایبوسه؛ ترجمه از ژاپنی قدرت ذاکری

مشخصات نشر: تهران: نشر چرخ، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۳۵۵ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: 978-600-94370-4-7

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

داشت: چاپ قبلی: گیمسا، ۱۳۹۲.

موضوع: داستان‌های ژاپنی -- قرن ۲۰ م.

سبک: رده: ۸۶۱، قدرت‌الله، ۱۳۵۵ - مترجم

ردیف: کنگره: ۱۳۹۲ ب۲ / PL ۸۲۳

رده‌بندی: ۸۶۱/۰۵

شماره‌ی کتاب‌شناسی: ۳۴۰۲۹۵۸

باران سیاه

ماسوجی ایبوسه

ترجمه از ژاپنی قدرت‌الله ذاکری

ویراستار: محمدرضا گودرزی

لیتوگرافی: باختر

چاپ: دالاهو

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۲، تهران

چاپ دوم (اول چرخ): بهار ۱۳۹۳، تهران

۱۸۰۰۰ تومان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص انتشارات چرخ است.

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۴۳۷۰ - ۴ - ۷

نشانی: خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان بیرونی، خیابان وحید نظری، شماره‌ی ۳۵.

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴

## مقدمه

آن زمان آمریکا جنگ را به سر جلدی گرفته بود و جزئیات حمله‌ی آمریکا به ویتنام خبر روزه شده بود. آن من ککر کردم، باید در مخالفت با جنگ چیزی بنویسم. باران سیاه داستانی است که بعد از جنگ ویتنام نوشتم.

این دلیل، انگیزه‌ی نوشتن این داستان سیاه است که خود ایبوسه در مصاحبه‌ای با عنوان «راو من» در روزنامه‌ی چو کوشینبون<sup>۱</sup> آن را نقل کرد. ساعت هشت صبح روز ششم ماه اوت سال ۱۹۶۵، پسر آمریکا پسر کوچک<sup>۲</sup> اتمی خود را روی هیروشیما انداخت تا فاجعه‌ای رخ دهد که هیچ‌کس تصورش را هم نمی‌کرد. فاجعه‌ی هیروشیما و بمباران اتمی روز نهم ماه اوت در ناگاساکی، باعث شد امپراتور هیروهیتو<sup>۳</sup> که از دید ملت تباری است، داشت، روز پانزدهم ماه اوت در برنامه‌ای رادیویی به زبان یک انسان معمولی خطاب به

---

۱. 中国新聞 / Chūgoku shinbun: در سال ۱۸۹۲ در هیروشیما آغاز به کار کرد و فروش آن در شهرستان‌های اطراف هیروشیما هم گسترش پیدا کرد. بعد از واقعه‌ی بمباران اتمی بیشتر مطالب و مقالات آن درباره‌ی صلح و بمباران اتمی شد.

۲. نام بمبی اتمی که آمریکا بر هیروشیما انداخت (Little boy).

۳. 裕仁天皇 / Hirohito Tennō (1901-1989): در دوره‌ی این امپراتور ژاپن دست به اشغال سرزمین‌های دیگر زد اما سرانجام شکست خورد و در نهایت مقام امپراتوری به مقامی تشریفاتی بدل شد.

ملت سخن بگوید و تسلیم بدون قید و شرط کشورش را در جنگ اعلام کند، تا خاک این کشور را برای اولین بار در تاریخ، بیگانگان اشغال کنند.

خاطرات و حوادث جنگ، مصیبت‌های بازماندگان، سرخوردگی و آشفتگی‌های شکست و اشغال کشور به دست بیگانگان و... تا اواسط دهه‌ی پنجاه ذهن نویسندگان و شاعران ژاپن را به خود مشغول کرد و آثار بسیاری درباره‌ی این مصادیق نوشته شد. فاجعه‌ی هیروشیما و ناگاساکی هم در آثار نویسندگان زیادی نمود پیدا کرد که از آن جمله می‌توان به داستان گل‌های تابستان اثر اکی هارا<sup>۱</sup>، رمان شهر/جساد اثر یوکو اوتا<sup>۲</sup> و یادداشت‌های هیروشیما اثر کین اوی<sup>۳</sup> اشاره کرد.

ایبوسه در جنگ، و اثر فرماندهی که از دور زیارت می‌کرد و دود/داستان را نوشت و در آن به تصویر کشید و روحیه‌ی میلیتاریستی پرداخت. با این همه او تا بیست سال بعد از پایان جنگ درباره‌ی بمباران اتمی زادگاه خود هیروشیما، چیزی ننوشت. جنگ و صلح باعث شد تا ایبوسه روایتگر صادق فاجعه‌ی هیروشیما شود.

ماسوجی ایبوسه در پانزدهم فوریه‌ی سال ۱۸۹۱، در روستای کامو<sup>۴</sup> واقع در شهر فوکویاما<sup>۵</sup> از شهرستان هیروشیما، دومین فرزند پسر خانواده بود که متولد

۱. 原民喜 / Hara tamiki (1905-1951): متولد شهر هیروشیما. هفتم بمباران اتمی در هیروشیما بود، به‌ظاهر آسیبی ندید اما بعد از بمباران تا آخر عمر وضعیت جسمانی بدی داشت. در سال ۱۹۴۷ گل‌های تابستان را نوشت و در سال ۱۹۵۱ با انداختن خود جلو قطار خودکشی کرد.
۲. 太田洋子 / Ōta yōko (1906-1963): زن نویسنده‌ی متولد هیروشیما. در جنگ بازگشت به هیروشیما بود که بمباران اتمی رخ داد. هر چند کتاب شهر/جساد را برپایه‌ی اطلاعاتی که از هیروشیما نوشت اما خودش هم دچار بیماری ناشی از بمباران اتمی شد و در پنجاه و هفت‌سالگی درگذشت.
۳. 大江健三郎 / Ōe Kenzaburō: متولد ۱۹۲۵. دومین نویسنده‌ی ژاپنی برنده‌ی نوبل ادبیات است که در سال ۱۹۹۴ آن را دریافت کرد.

4. 加茂 / Kamo

۵. 福山城 / Fukuyamajō: در سال ۱۶۲۲ ساخته شد. جزء میراث ملی ژاپن است. بعد از سوختن در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۶۶ بازسازی شد.

شد. پدرش در پنج سالگی اش فوت کرد و او را مادر و پدر بزرگش به نحو شایسته‌ای تربیت کردند. نام اصلی او ماسوجی ایبوشی<sup>۱</sup> و نام مستعارش ماسوجی ایبوسه است. ماسوجی نام واقعی او به شکل 満壽 و ماسوجی نام مستعارش به شکل 鱒 نوشته می‌شود که در آن از کلمه‌ی ماهی قزل‌آلا استفاده شده است. این به سبب علاقه‌ی بسیار زیاد او به ماهی و ماهی‌گیری بود. نوری که در بیشتر آثارش به ماهی، ماهی‌گیری و پرورش ماهی اشاره‌هایی دارد.

خانواده‌ی این نویسنده، اربابان زمین‌داری بودند که نَسَب آن‌ها تا سال ۱۴۴۲ مشخص است. در دوران ابتدایی را در روستای کامو و دوره‌ی متوسطه را در شهر فوکویاما به اتمه رساند. از سال سوم متوسطه به یادگیری نقاشی پرداخت. بعد از فارغ‌التحصیلی به مدت سه ماه به نارا و کیوتو سفر کرد، طرح‌هایی کشید و با این طرح‌ها از کانستو هاشیموتو<sup>۲</sup> تقاضای شاگردی کرد که پذیرفته نشد و به زادگاهش برگشت.

بعد از آن به تشویق برادر بزرگش به ادبیات روی آورد و برای ادامه‌ی تحصیل به دانشگاه واسه‌دا<sup>۳</sup> در توکیو رفت. در سال ۱۹۲۱ رشته‌ی ادبیات فرانسه را انتخاب کرد، اما ترس از رفتار نامتعارف استاد این دانشکده به نام نوبورو کاتاکامی<sup>۴</sup>، باعث انصراف او از ادامه‌ی تحصیلات شد.

در سال ۱۹۲۳ داستان/سیرا در مجله‌ی ادبی قرن بیستم<sup>۵</sup> در همین سال‌ها بود که شاگرد نویسنده‌ی مطرح هاروتو ساتو<sup>۶</sup> شد. سه سال بعد ازدواج

井伏鱒二 / Ibushi masuji

۲. 京都 / Kyōto و 奈良 / Nara: از شهرهای باستانی، توریستی و بسیار زیبای ژاپن.

۳. 橋本関雪 / Hashimoto Kansetsu (1883-1945): نقاش ژاپنی متولد کوبه.

۴. 早稲田大学 / Waseda daigaku: یکی از دانشگاه‌های معتبر و خصوصی شهر توکیو.

۵. 片上伸 / Katagami Noburu (1884-1928): منتقد ادبی - هنری و کارشناس ادبیات روس.

بعدها، این شخص در آثار ایبوسه چهره‌ی پلیدی پیدا کرد.

۶. 佐藤春夫 / Satō Haruo (1892-1964): شاعر و نویسنده.

کرد و در ۱۹۳۰ نخستین کتابش را با نام نیمه شب و شکوفه های آلو چاپ کرد، که مجموعه ی چندین داستان از جمله داستان معروفش سمندر راست. در همین سال، دازای اوسامو<sup>۱</sup> به ملاقات ایبوسه آمد. دازای داستان سمندرایبوسه را خوانده و بسیار تحت تأثیر قرار گرفته بود. ایبوسه تا سال ۱۹۴۸ که دازای خود را در رودخانه غرق کرد، همیشه راهنمای او در زندگی و نویسندگی بود.

در سال ۱۹۳۸ با کتاب شرح سرگردانی جون مانجیرو برگزیده ی ششمین دوره ی جایزه ی ادبی ناوکی<sup>۲</sup> شد.

در دهه ی جنگ به خدمت در نیروی زمینی فرا خوانده شد. هنگام شروع جنگ دریایی ناوکی در دریای چین جنوبی خدمت می کرد. مدتی بعد در سنگاپور که در آن زمان در محاصره ی ژاپن بود، اقامت گزید و در آن جا روزنامه ای به زبان ژاپنی منتشر کرد. این تجربیات در آثار بعدی او تأثیر زیادی داشت. از سال ۱۹۴۳ تا سال ۱۹۵۷ عضو هیئت داوران جایزه ی ناوکی، از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۲ عضو هیئت داوران جایزه ی آکوتاگاوا<sup>۳</sup> و از سال ۱۹۵۵ تا سال ۱۹۶۸ عضو هیئت داوران جایزه ی مجله ی شینچو<sup>۴</sup> شد.

از دیگر آثار ایبوسه می توان واقعت دوست داشتنی، رودخانه، اتاق کار، مجموعه ی دور ریختنی های دوست داشتنی، شهر گم شده، امروز بیمار نمی پذیریم، هیومین نوسا بوزو، جنگل و سه دا، مهمان پذیر مقابل استگاه ماه گیری در رودخانه و

۱. 太宰治 / Dazai osamu (1909-1948): از نویسندگانی که در زمان جنگ آثار ادبیات ژاپن را شعله ور نگه داشت. آثار او محبوبیت زیادی در میان جوانان ژاپنی دارد. در سال ۱۹۴۸ به همراه یابود دوست خود ناوکی همزمان با جایزه ی آکوتاگاوا بنیان گذاشت. این جایزه به استعداد های جدید در عرصه ی ادبیات مردمی داده می شود.

۲. 直木賞 / Naokishō: یکی از جوایز معتبر ادبی در ژاپن. کان کیکوچی آن را در سال ۱۹۰۴ به یادبود دوست خود ناوکی همزمان با جایزه ی آکوتاگاوا بنیان گذاشت. این جایزه به استعداد های جدید در عرصه ی ادبیات مردمی داده می شود.

۳. 芥川賞 / Akutagawashō: معتبرترین جایزه ی ادبی کشور ژاپن که به نام آکوتاگاوا نویسنده ی بزرگ دوره ی تایشو نام گذاری شد. این جایزه به استعداد های جوان ادبیات اعطا می شود.

۴. 新潮同人雑誌賞 / Shinchōdōjinzashishō: یکی از چهار جایزه ی بزرگ ادبی ژاپن که آن را روزنامه ی شینچو از سال ۱۹۵۵ به بعد اهدا می کند.

باران سیاه را نام برد. از بیشتر داستان‌های او اقتباس سینمایی شده که مشهورترین آن فیلم *باران سیاه* به کارگردانی ایما مورا شوهه<sup>۱</sup> است که در سال ۱۹۸۹ جوایزی از جشنواره‌ی کن دریافت کرد.

ایبوسه در سال ۱۹۹۰ به شهروندی افتخاری کلان شهر توکیو نایل آمد. در بیست و چهارم ماه جون ۱۹۹۳ ناگهان در بیمارستان بستری شد و شانزده روز بعد در دهم جولای درگذشت.

بررسی‌های علمی نویسنده‌ی خود، جوایز ادبی زیادی کسب کرد که از آن جمله می‌توان جوایز زیر اشاره کرد:

۱۹۳۸: جایزه‌ی ادبی ناوکی برای کتاب *شرح سرگردانی جون مانجیرو*؛

۱۹۵۰: جایزه‌ی ادبی یومی برای کتاب *امروز بیمار نمی‌پذیریم*؛

۱۹۵۶: جایزه‌ی ادبی هیروشیما برای کتاب *هیومین مئوسایورو*؛

۱۹۶۶: جایزه‌ی ادبی هیروشیما برای کتاب *باران سیاه*؛

۱۹۷۲: جایزه‌ی ادبی روزنامه‌ی *یومی* برای کتاب *جنگل واسه‌دا*.

ایبوسه تا سال ۱۹۶۵ درباره‌ی هیروشیما چیزی ننوشت، اما خشم و اندوه ناشی از جنگ ویتنام در این سال او را ناگرا به نوشتن *باران سیاه* کرد. در واقع بعد از فاجعه‌ی هیروشیما و ناگاساکی و بعد از تمام سیاه جنگ و قدرت‌طلبی افسارگسیخته، گمان می‌رفت سرانجام به جنگ پیورده است و دیگر هیچ جنگی به وقوع نخواهد پیوست. اما جنگ ویتنام شروع شد. در این

۱. 今村昌平 / Imamura Shōhē (1926-2006): فیلم‌ساز و فیلم‌نامه‌نویس.

۲. 読売文学賞 / Yomiuri Bungakushō: جایزه‌ای ادبی که در سال ۱۹۴۹ روزنامه‌ی *یومی* آن را بنیان گذاشت و به بهترین آثار منتشرشده در یک سال گذشته در رشته‌های مختلف ادبی اهدا می‌شود.

۳. 日本芸術院賞 / Nihongējutsuinshō: جایزه‌ای که در رشته‌های مختلف هنری و ادبی از سوی انجمن هنر ژاپن اهدا می‌شود. در سال ۱۹۴۱ پایه‌گذاری شد.

۴. 野間文芸賞 / Noma Bungeshō: جایزه‌ای که بنا بر وصیت نوما سه‌جی بنیان‌گذار مؤسسه‌ی انتشاراتی کودانشا و برای یادبود نام او در سال ۱۹۴۱ پایه‌گذاری شد و به کتاب‌های ادبی و نقد ادبی داده می‌شود.

هنگام ایبوسه وصیت نامه‌ی ادبی باران سیاه را نوشت تا آیندگان بدانند در هیروشیما چه گذشت. باران سیاه، وصیتی است که باید همه‌ی نسل‌های آینده، در جای جای زمین بخوانند تا دیگر زمین شاهد ظلمتی از این دست نباشد.

کنزابورو اوئه در سخنرانی‌اش با عنوان «واقع‌گرایی و نیایش ایبوسه»، ایبوسه را بزرگ‌ترین نویسنده‌ی قرن بیستم ژاپن نامید و گفت:

ژاپنی‌ها بی‌شک خوب موتورسیکلت می‌سازند. کامپیوتر هم همین‌طور اما ادبیات هم نمی‌سازند. ژاپن ادبیات کلاسیک دارد و در این اواخر بر پایه‌ی صد و بیست سال ترجمه ادبیاتی نوشته‌ایم. رفیع‌ترین قله‌ی این ادبیات نوهم، باران سیاه اثر ماسامیو ایریسه است.

بعد از بمباران اتمی هیروشیما، خواستی مشترک نه فقط در ژاپن که در تمام جهان شکل گرفت، آن بود که نباید یک بار دیگر چنین فاجعه‌ای در هیچ کجای جهان رخ دهد. نیاز را اوئه این خواست را چونان نیایش شخصیت اصلی باران سیاه دیده و در همان نیایش گفته است:

باران سیاه، واقعا از لحاظ ادبی ممتاز است. اما سوای ادبیات، بیان‌کننده‌ی نیایش ژاپنی‌هاست. با این همه نیایش مختص ژاپنی‌ها نیست بلکه دعایی است که در تمام جهان معروف و گسترده دارد...

امیدوارم این ترجمه در تحقق نیایش «پایان فاجعه هیروشیما»، سهمی هر چند اندک داشته باشد.